

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان های باستانی

بررسی متن سغدی p7 از مجموعه متن های سغدی پاریس

استاد راهنما

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور

دکتر امید بهبهانی

پژوهشگر

سارا اشتری

شهریور ماه ۹۳

تقدیم به همسر و فرزند عزیزم

سپاس و احترام به استاد ارجمند و مهربانم سرکار خانم دکتر زهره زرشناس که سخت کوشی و تلاش ایشان را همواره سرلوحه زندگیم قرار داده و شکیبایی ایشان در رفع مشکلات نگارش این رساله را می ستایم. همچنین از خانم دکتر بهبهانی که مشاوره پایان نامه را به عهده گرفتند سپاسگزارم.

چکیده

در این پایان نامه به بررسی متن سغدی p7 ، از مجموعه متن های سغدی پاریس پرداخته شده است. متن p7 کاغذی است در ابعاد $۰/۲۵ \times ۳/۶۴$ با ۲۳۲ سطر که متن کامل اَمَقَ پاشه - مانتره هردیه سوتره را دربر می گیرد. در اینجا ۲۰۰ بند متن ترجمه شده اما ۳۲ بند پایانی از آن رو که کامل نبوده برگردان نشده است. این پژوهش یک مقدمه و شش بخش را شامل می شود. مقدمه دربرگیرنده تاریخچه زبان و ادبیات سغدی، شخصیت آریا و لوکیتشوره، محتوای سوتره ، شیوه کار و پیشینه پژوهش است. پس از مقدمه، به ترتیب حرف نویسی، آوانویسی، ترجمه متن سغدی، یادداشت ها، ترجمه بنویست و واژه نامه قرار گرفته و در پایان کتابنامه اثر آمده است.

کلید واژه ها: زبان سغدی، متن p7، آریا و لوکیتشوره، اَمَقَ پاشه مانتره هردیه سوتره.

۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	– زبانوادبیاتسغدی
۶	– متن P7
۶	– محتواایسو تره
۸	– آریاورو کیتشوره
۱۳	– شیوهکار
۱۳	– پیشینهپژوهش
۱۴	– دستاورد پژوهش
۱۵	بخش نخست: حرف نویسی متن سغدی p7
۲۹	بخش دوم: آوانویسی متن سغدی p7
۴۲	بخش سوم: ترجمه فارسی متن سغدی
۵۲	بخش چهارم: یادداشت‌ها
۶۹	بخش پنجم: ترجمه بنویست از فرانسه
۷۹	بخش ششم: واژه نامه
۸۰	– ترتیب حروف
۸۱	– کوتاه نوشت‌ها
۱۷۳	کتابنامه
۱۷۷	چکیده به انگلیسی

مقدمه

زبان و ادبیات سغدی

زبان سغدی از شاخه زبان های ایرانی میانه شرقی و از نظر تنوع و حجم ادبیات مهمترین آنهاست. از قرن اول تا سیزدهم میلادی در گستره جغرافیایی عظیمی، از دریای سیاه تا چین مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم می کردند.

با وجود آنکه ابوریحان بیرونی در حدود هزار و اندی سال پیش، با ذکر نام روزها، ماه ها و جشن های سغدی، تلویحا به این زبان اشاره کرده بود، اما زبان سغدی تا پیش از کشف گنجینه تورفان در نخستین سال های قرن بیستم توسط محققان آلمانی، زبانی ناشناخته بود، و آنان بودند که این زبان را «سغدی» نامیدند.

زبان سغدی از سده ی ششم تا دهم میلادی زبان میانجی^۱ در سراسر مسیر شرقی جاده ابریشم بوده است. کتیبه بوگوت^۲ در مغولستان که متعلق به اندک زمانی پس از ۵۸۰ میلادی است، نشان می دهد که سغدی زبان رسمی نخستین امپراطوری ترکان نیز بوده است. (تفضلی ۱۳۷۶: ۳۶۷)

^۱ Lingua Franca

^۲ Bugut

این زبان در طول ده قرن (قرن های دوم و دوازدهم میلادی) مهمترین زبان ایرانی در آسیای میانه، زبان تجاری جاده ابریشم و ابزار ارتباط و پیوند فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده است. چنین به نظر می‌رسد زبان سغدی که با نفوذ و توسعه فارسی میانه و زبان ترکی از رونق افتاد، از قرن یازدهم میلادی به بعد، با رواج زبان فارسی و نفوذ زبان های عربی و ترکی سیر نابودی آن شتاب بیشتری یافت. گویش دور افتاده یغنابی که در دره رودخانه یغناب در شمال کوه‌های پامیر در جمهوری تاجیکستان بدان سخن می‌گویند تنها بازمانده زبان سغدی است، گرچه تاثیر زبان سغدی بر ادبیات فارسی انکارناپذیر و جاودانه است (زرشناس ۱۳۸۰: ۳۰۲).

آثار مکتوب سغدی، با وجود آنکه در گذر زمان بسیار آسیب دیده اند، منابعی لازم و کافی برای بازسازی چهره تاریخی و حقیقی سیاست، اقتصاد، دین، هنر و فرهنگ سغد و سغدیان می‌باشند. آثار مکتوب بازیافته زبان سغدی را بر حسب موضوع به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱. آثار غیر دینی سغدی - این آثار که به خط خاص سغدی نوشته شده، مشتمل

است بر:

الف - سکه‌ها: قدیم ترین سکه های سغدی متعلق به قرن دوم میلادی است.

ب - نامه‌ها: این مجموعه شامل پنج نامه ی کامل و چند قطعه ی ناقص است و

احتمالا به اوایل سده ی چهارم میلادی تعلق دارد و قدیم ترین آثار مشروح سغدی است

که به « نامه های باستانی » نیز شهرت دارد.

ج- کتیبه های سغدی: مشتمل بر سنگ نوشته بوگوت (درباره ی تاریخ فرمانروایی ترکان -بازن، «ترکها و سغدی ها»^۳ سنگنوشته های افراسیاب (متعلق به سده های هفتم و هشتم میلادی--- خروموف، از رستم تا...، ۳۸-۳۹)، کتیبه های پنجکنت (روی استخوان و ظروف سفالین و سنگی متعلق به سده های هفتم و هشتم میلادی--- همان کتاب ۳۸-۳۹)، سنگنوشته های مکشوف در سند علیا (متعلق به قرن چهارم میلادی)، کتیبه لادک(لدک)، کتیبه قره بلگسون و کتیبه های یادبودی قرقیزستان.

د- آثار کوه مغ: این آثار مشتمل بر ۷۴ فقره سند متعلق به بایگانی آخرین فرمانروای سغد، دیواشتیج(?) (۸۷ تا ۱۰۴ ه) است که بر روی چرم، کاغذ و پوست نوشته شده و حاوی نامه های اداری، اسناد مالی، یک قباله ی ازدواج است.

۲. آثار دینی سغدی: این آثار که متعلق به پیروان ادیان بودایی، مانوی و مسیحی می باشند در سده های هفتم تا دهم میلادی نوشته شده اند و در اوایل قرن بیستم میلادی در نواحی تورفان و دون هوانگ^۴، در جنوب شرقی تورفان، در ترکستان چین، که پیروان این ادیان در آنجا مستقر شده بودند به دست آمده اند.

۱. آثار بودایی: ادبیات سغدی بودایی که شاید پر حجم ترین آثار ادبی زبان سغدی باشد، نوعی ادبیات ترجمه ای و مشحون از اصطلاحات فلسفی و احکام آیین بوداست. این آثار، از اصل سنسکریت یا چینی به زبان سغدی ترجمه شده اند و محتوای آنها از

³ Turcs et Sogdien

⁴ Dunhuang

مکتب مه‌ایانه^۵ بودایی نشئت گرفته است. دو کتاب وسنتره جاتکه (قریب ۱۳۷۱) و سوتره چم و پادفراه کردار (Mackenzie 1970) از مهمترین آثار سغدی بودایی اند. رساله های دیگری در مجموعه های آثار سغدی بودایی به چاپ رسیده اند که متون سغدی، محفوظ در کتابخانه ی ملی پاریس، و متن های سغدی کتابخانه ی بریتانیا از آن میان شایان ذکرند. این آثار به خط سغدی (یکی از جوانه های فرعی خط تحریری آرامی) نوشته شده است. (زرشناس، ۱۳۸۰: ص ۱۳)

۲. آثار مسیحی: ادبیات سغدی مسیحی نیز نوعی ادبیات ترجمه ای شامل ترجمه ی بخش هایی از کتاب مقدس (دانیال، متی، لوقا، و یوحنا (Muller-Lentz 1934);؛ زندگی و اعمال قدیسان (مانند جرج قدیس) (Gershevitch 1946:179-184);؛ مقاتل یا اعمال شهدای مسیحی، آرای بزرگان کلیسا، کلمات قصار و عبارات پندآموز، مواظ، تفسیر مزامیر، داستان و غیره است. این آثار بیشتر از زبان سریانی، زبان دینی مسیحیان نستوری آسیای میانه، ترجمه شده و به گونه ای از خط سریانی سترنجیلی و گاه به خط سغدی نوشته شده است. (زرشناس، ۱۳۸۰: ص ۱۴)

۳. آثار مانوی: متن های سغدی مانوی که در برگیرنده ی ترجمه ی سغدی سرودها و متن های مربوط به کتاب های دینی مانوی از اصل فارسی میانه و پارتی و یا آثاری است که اصلاً به زبان سغدی نوشته شده اند از نظر زبان شناختی در خور توجه و حایز اهمیت بسیار است و هیچ متن کاملی از سغدی مانوی بر جای نمانده است. (زرشناس، ۱۳۸۰: ص ۱۴).

⁵Mahāyāna

متن‌های مانوی بسیاری به زبان سغدی در دست است که برخی به خط مانوی و بیشتر آنها به خط سغدی - ایغوری نوشته شده‌اند. بیشتر این متون که در صومعه‌ای مخروبه در تویوق، نزدیک تورفان، پیدا شده مطالب فلسفی آیین مانی را با تمثیل و داستان طرح می‌کنند. علاوه بر سرودها، موعظه‌ها و خطابه‌هایی که برگردان سغدی متون فارسی میانه و پهلوی اشکانی هستند، متون اصیلی هم مدون به زبان سغدی دیده می‌شود. محتوای این متون، تاریخچه فعالیت مبلغان مانوی، خطابه‌ها نیایش‌ها، اعترافات و توبه، اسطوره آفرینش، تقویم و سال‌نامه‌های مربوط به روزه‌داری و جشن‌ها، نامه‌های مانوی، فهرست ملل و فهرست واژه‌ها، کتاب غول‌ها، تمثیل‌ها و داستان‌ها است (قریب ۱۳۷۴، ۲۱).

متن P7

متن سغدی p7 از مجموعه متن‌های سغدی پاریس است. این متن کاغذی است در ابعاد $۰/۲۵ \times ۳/۶۴$ با ۲۳۲ سطر که متن کامل اَمَقَ پاشه - مائثره هردیه سوتره را دربر می‌گیرد. در اینجا ۲۰۰ بند متن ترجمه شده اما ۳۲ بند پایانی از آن رو که کامل نبوده برگردان نشده‌است.

محتوای سوتره

در ترجمه حاضر چنین آمده است که آریا وروکیتشوره در اقامتگاه خود در کوه پوترکه میان صد هزار بودیستوه در انجمن خدایان حضور داشت. همه در بین درختان مقدس روی تخت‌های زرین نشسته بودند. زمانی که بودا خواست قانون جاوید را برای انجمن توضیح دهد، بودیستوه آریا وروکیتشوره از تخت پایین آمد و پس از احترام به

بودا گفت: ای سرور جهان، در قلب من دعایی است به نام امق پاشه. اگر این مانتره در هر سرزمین و هر مکان خوانده شود، خدایان ایشوره^۶ و مهیشوره^۷ در آنجا حضور خواهند یافت. اگر انسانی باشد که به کار بد گناهکار شود، به دین و بزرگان دین دشنام داده باشد، اگر بترسد و توبه کند و این مانتره را بخواند، گناهانش پاک خواهد شد. اگر کسی به درد معده، مثانه، یا کمر مبتلا شود، یا خواب بد بیند، آنگاه که این مانتره را بخواند همه بیماری های وی از بین خواهد رفت و اگر انسانی پاک و نیکوکردار باشد که این مانتره مقدس را بخواند و یا به شخص دیگری یاد دهد آنگاه از زندگی حیوانی رهایی خواهد یافت و متحول خواهد گشت. آریا وروکیتشوره خطاب به بودا می گوید اگر انسان مقدسی در هشتمین روز ماه این مانتره را بخواند و هفت بار آن را در ذهن بیاورد و از حفظ بگوید، این انسان از بیست نوع فایده بهره مند خواهد شد. نخست اینکه بیمار نخواهد شد و اگر به سبب گناهی بیمار شود، زود درمان شود؛ ذهنش متمرکز گردد؛ آشفته و پریشان نباشد و کشت و کارش پر بار شود. بودیستوه می گوید اگر کسی بتواند این ورد را به خاکستر (مخلوط) با آب بخواند و در فضا پراکند از همه گونه بدی موجودات زنده رها می شود و نزد همه موجودات زنده گرمی خواهد شد و او را هرگز ترس نباشد و همواره خدایان او را از ضرر و زیان نجات می دهند.

آنگاه کسی که این مانتره را بخوانند صاحب هشت فضیلت بزرگ خواهد شد. هرگز گمراه نشود، دست و پایش منقبض نشود، همیشه نیکوکار و شادمان می ماند. در

۱۵. $\bar{i}\check{s}\beta ar : ^{\check{y}}\check{s}\beta r$ نک. یادداشت ۱۵.

۱۶. $mah\bar{i}\check{s}\beta ara : ^{\check{y}}m\check{x}'\check{y}\check{s}\beta r$ نک. یادداشت ۱۶.

پایان، آریاوروکیتشوره از بودا می خواهد که مانتره مقدس را بخواند و بودا به او پاسخ می دهد: آن را بخوان! باشد که این مانتره برای تمام گناهکاران همچون پدر و مادر باشد.

آنگاه آریا وروکیتشوره اصل و اساس پناه جستن خاشعانه در طریقت بودایی را بیان می کند: به بودا پناه می برم، به درمه پناه می برم، به سمگهه پناه می برم.

آریاوروکیتشوره^۸

متون بودایی پر حجم ترین ادبیات زبان سغدی را تشکیل می دهند و محتوای آن بازتاب مکتب مهاییانه بودایی است. یکی از ویژگی های مکتب مهاییانه عبادت و پرستش بوداهای آینده است که آن ها را بودیستوه می گویند. **Bodhi** به معنی خرد و عقل و **sattva** به معنی جوهر. یعنی کسی که جوهرش خرد و دانایی است. اولوکیتشوره^۹ یکی از ایزدان مهم مهاییانه به شمار می رود. بسیاری از محققان عقیده دارند که او از محبوب ترین بودیستوه های مهاییانه است. بودیستوه ها موجودات اساطیری هستند که از جسم نورانی (سرور و شادی) بوداها بهره مندند و در بهشت روی تخت مجلل جای گرفته و گروه قدیسین و اولیاء گرداگرد آن ها نشسته اند و آن ها پیامبرانی جهت نجات انسان ها به زمین می فرستند و سرنوشت انسان ها دست این خدایان است. انسان باید این موجودات بزرگ (**mahasattva**) را عبادت کند و در مدح و ثنای آن ها لب به ستایش

āryāβarokitešβara :^۸ry'βrwkδyšβr نک. یادداشت ۲.

^۹ ظاهراً آریاوروکیتشوره و اولوکیتشوره هر دو به یک بودیستوه اشاره دارد. نام اول در متن سغدی حاضر به کار رفته اما نام دوم در متون سنسکریت غالباً استفاده شده است. برای ریشه شناسی آن نک. یادداشت ۲.

بگشاید. اولوکیتشوره یا آریا وروکیتشوره یک بودیستوه است ولی بودیستوه ای که هرگز به مقام بودایی نخواهد رسید تا مگر آخرین ذره هم رستگار شود، زیرا او آکنده از مهر و ترحم است و از برای آزادی انسان‌ها غفلت نمی ورزد. (باردوتودل ۱۳۷۶: ۸۹).

درباره اشتقاق این کلمه عقاید گوناگونی توسط خاور شناسان و سنن بودایی ابراز شده است. اولوکیتا به معنی کسی که نگاه می کند و ایشوار به معنی خدا می باشد. یعنی خدایی که با ترحم به موجودات نظر می افکند یا خدایی که نگاهش آکنده از مهر و ترحم است یا خدایی که چهره اش به هر سو و هر جهت نگاه می کند (نک. شایگان ۲۵۳۶: ۱۷۹-۱۸۰ و نیز یادداشت‌ها).

این بودیستوه در تبت سرور بزرگ شفقت نامیده می شود که تلفظ آن به تبتی (che-razi) و به سنسکریت اولوکیتشوره می شود. (باردوتودل ۱۳۷۶: ص ۸۹)

سرودهای بسیاری در مدح اولوکیتشوره گفته شده که گواه بر خلوص نیت و ترحم بی حد و حصر اوست: «او که در تمام خصایل به کمال رسیده و به تمام موجودات بادیده ترحم و مهر می‌نگرد، او که خود فضیلت شده و دریای بزرگ فضائل است، او همان اولوکیتشوره است و شایان ستایش است. اوست که در این جهان خویشان را به ترحم آراسته و در سفر آینده بودا خواهد شد، اولوکیشوره را که نابود کننده جمله رنج و ترس و اندوه است، می ستایم (شایگان همان).

در متون ایرانی بودایی نیز از اولوکیتشوره سخن رفته است، برای مثال در متن ختنی زمبستا فصل سیزدهم که از مراحل و مقدماتی سخن می رود که سالکان باید

بپیمایند تا به نیروانا رسند - چنین آمده است: ... (مه‌ایانه) چونان ارا به بزرگی که شخص را به شهری می‌رساند، باشندگان بزرگ را به بدی می‌رساند که در آن هزار بودیستوه بدره کلیه (عزیز، عالی، خوب)، از اولوکیئتشوره گرفته تا میتریه می‌کوشند تا آگاهی را دریابند ... (Emmerick 1968: 185).

در سوتره‌های بودایی نیز این بودیستوه یاری رسان انسان و بخشنده کردار ناشایست خوانده شده است. در متنی سغدی بودایی آمده است، اگر کسی بودیستوده آریا وروکیئتشوره را درست و با خلوص بخواند وی سریع او را پاسخ خواهد گفت و اگر دچار خسران و ضرر شود و از این بودیستوه یاری بخواهد، او بیماری و بدی را از آن شخص دور می‌کند؛ اگر کسی کردار بد و ناشایستی داشته باشد، هر گاه در دلش احساس پشیمانی از گناه به وجود بیاید آریا وروکیئتشوره گناه وی را خواهد بخشید و او را شاد می‌گرداند.

در آیین تبتی از مرگ تا تولد دوباره چهل و نه روز طول می‌کشد. در این مدت روح مراحل مراقبه را پشت سر می‌گذارد تا به مقام روشنی و بودا برسد. در مراقبه روحانی در کنار فرد متوفی می‌ایستد و این کلمات را به وی تذکر می‌دهد: «ای زاده خاندان شریف، به مراقبه پرداز و پریشان نباش.» در اینجا خواننده بایستی نام دوه

حامی^{۱۰} را ذکر کند. [...] اگر او فرد معمولی است باید با گفتن این مطلب وی را رهنمون شود: «مراقبه کن در خصوص سرور شفقت بزرگ» (باردوتودل ۱۳۷۶: ۸۹).

اولوکیتشوره از زبان بودا چنین توصیف شده است: قامت وی هشتصد هزار نیوته یوگند^{۱۱} است. رنگ بدنش طلایی ارغوانی است. بر سرش دستاری دارد که در عقب آن هاله نوری است، محیط چهره اش به اندازه صد هزار یوگند است. در این هاله پانصد بودا به طرز شگفت تغییر شکل داده اند... درون حلقه نوری که از تمام بدنش می تراود، نشانه-ها و شکل گوناگون تمام موجودات ظاهر می گردد که در پنج طریق هستی می زیند. بر فراز سرش تاجی آسمانی از جواهر قرار دارد. در آن تاج، بودایی تغییر شکل یافته ایستاده که قامتش به اندازه بیست و پنج یوگند است (به نقل از کندری ۱۳۸۰: ۲۱۷-۲۲۸).

چهره بودیستوه اولوکیتشوره طلایی رنگ است. موی لطیف بین ابروانش تمام رنگ های هفت گوهر را دارد و از آن هشتاد و چهار اشعه می تراود. در هر یک از این انوار بودیستوه های تغییر شکل یافته بی شماری حضور دارند. به آزادی تجلیات خویش را تغییر می دهند. ظاهر آنان می تواند با رنگ گل نیلوفر آب سرخ مقایسه شود. وی حلقه گلی متشکل از هشت هزار اشعه بر تن دارد که زیبایی کمال یافته در آن کاملاً

^{۱۰} - دوه محبوب متوفی، حامی (تبتی: yi-dam) است. معمولاً یکی از بوداها یا بودیستوه هاست (باردوتودل ۱۳۷۶: ۱۴۴).

^{۱۱} - Niyuta برابر صد ایوته (ayuta) است و ایوته صد کوتی (koti) و کوتی ده میلیون است. و نیز نیوته برابر صد هزار است. Yogana و نیز yojana در حدود چهار یا پنج مایل است (باردوتودل ۱۳۷۶: ۱۴۵).

منعکس است. کف دستش آمیزه ای از رنگ پانصد گل نیلوفر آبی است. دستانش ده نوک انگشت دارد. هر نوک هشتاد و چهار هزار تصویر دارد که همچون اثر مهر است. هر تصویر هشتاد و چهار هزار رنگ دارد. هر رنگ هشتاد و چهار هزار انوار دارد که ملایم و لطیف اند و بر آنچه هستی دارد می تابند. با این دستان گوهرین تمام موجودات را تصویر می کند و در آغوش می گیرد. وقتی پایش را بلند می کند، پاشنه هایش دیده می شود که با چرخ هزار پره (یکی از سی و دو نشانه) علامت زده شده و به نحوی شگفت به پانصد میلیون ستون نور تغییر شکل می یابند. هنگامی که پایش را بر زمین می نهد، گل‌های الماس و جواهرات به اطراف پراکنده می شوند و به سادگی همه چیز را می-پوشانند. تمام نشانه های دیگر بدنش حسن کامل اند و به هیچ وجه با نشانه های بودا تفاوتی ندارند، به جز این دو نشانه : (۱) دستار دارد (۲) بالای سرش نامرئی است و نسبت به نشانه های بودا نازل تر است. این سرور شفقت بزرگ در متون تبتی با چهار سر و هشت دست توصیف شده است (کندری ۱۳۸۰: ۲۱۷-۲۲۸).

در آیین تبتی نیز در گذر و مراقبه روح، روحانی در کنار فرد متوفی می ایستد و با صدای بلند می گوید: «ای زاده خاندان شریف، اگر نمی دانی چگونه این چنین مراقبه کنی، بودا، در مه، سمگهه و سرور شفقت بزرگ را به یاد آر و از آنها درخواست کن ...». در اینجا نیز نام آریاورو کیتشوره در کنار بودا آورده شده است (باردوتودل ۱۳۷۶: ۱۵۵).

شیوه کار

پژوهش حاضر با عنوان بررسی متن سغدی p7، از مجموعه متن‌های سغدی پاریس، شامل یک مقدمه و ۶ فصل می باشد. پس از مقدمه، حرف نویسی متن سغدی p7 در بخش نخست و آوانویسی متن در بخش دوم آمده است. بخش سوم شامل برگردان فارسی متن سغدی است. در بخش چهارم یادداشت‌ها شامل توضیحات مربوط به واژه‌ها و نیز تفاوت دو ترجمه ذکر شده، آنگاه ترجمه فرانسه امیل بنونیست در بخش پنجم به فارسی برگردان شده است. در بخش ششم واژه نامه بسامدی سغدی _ فارسی تدوین شده است. در واژه نامه مقوله اسم و صفت و فعل بودن هر کلمه همراه با معنی آن نوشته شده، همچنین حالت دستوری اسم‌ها و صفت‌ها به صورت ماده سبک و صرف‌های آن، ماده سنگین مختوم به صامت و ماده‌های سنگین مختوم به مصوت (ماده‌های مختوم به =-aka) مشخص شده و در مورد فعل‌ها نیز ماده سبک و سنگین ذکر شده است. برای سهولت کار، شماره مدخل قریب (۱۳۷۴) و گرشویچ (۱۹۴۵) واژه‌ها همراه با ریشه-شناسی آن‌ها در ردیف هر واژه آمده است. همچنین نام‌های خاص بر اساس نویسه سغدی آن به فارسی نوشته شده اند. در پایان، کتابنامه شامل تمام کتاب‌های ارجاع داده شده در متن و نیز چکیده به زبان انگلیسی آمده است.

پیشینه پژوهش

متن سوتره آریاورو کیتشوره مهاستوه اَمَقَ پاشه هردیه^{۱۲} ظاهرا از اثر چینی بو هیروسی^{۱۳}، مربوط به سال ۶۹۳ میلادی، ترجمه شده است. ترجمه با متن چینی آن شباهت بسیار دارد، ولی در بسیاری از بخش‌ها

¹²āryavalokiteśvara-mahāsattva-amoghapāśa- hṛdaya

متفاوت بوده یا بسیار خلاصه‌برگردان شده‌است. باوجود این، متن اصلی مشکلات دست نوشته پیش رو را حل نمی‌کند. بسیاری از آثار درباره آریاورو کیتشوره و سوتره‌های مربوط به او توضیحاتی را نوشته‌اند و حتی شخصیت او را با برخی الهه مادرهای یونان و هند نیز مقایسه کرده‌اند و حتی بخش‌هایی از این سوتره را نیز برای توضیح وظایف و ویژگی‌های آریا وروکیتشوره به انگلیسی ترجمه کرده‌اند(← شایگان ۲۵۳۶ و دایره المعارف‌های بودایی مانند : *Chinabuddhismencyclopedia*, *Amoghpassa_Lokeshvara*“). اما کار اصلی را در این زمینه امیل بنونیست (93: 1940) در اثر خود با نام *Traduits et Commentes Sogdiens Textes* انجام داده که در این رساله نیز مورد توجه و بازبینی قرار گرفته است.

دستاورد پژوهش:

متن p7 متنی است به زبان سغدی که در اصل از روی متن سنسکریت نوشته شده است. چون مترجم متن برای برخی واژه‌های سنسکریت معادل سغدی نیافته، بسیاری از واژه‌ها در متن حاضر به همان صورت سنسکریت نوشته است. اما اهمیت ترجمه و تحقیق درباره این متن بیشتر از آن روست که حجم زیادی از واژه‌های شناخته نشده سغدی را به ما معرفی می‌کند. در بخش واژگان بسیاری از این واژه‌ها همراه با معنی و کاربرد آن‌ها در متن آورده شده‌اند. به علاوه، در پژوهش حاضر سعی شده تا اصطلاحات و مفاهیم بودایی نیز توضیح داده شود و این خود زمینه‌آشنایی پژوهشگران با آیین بودا را فراهم می‌کند. از آنجا که این متن تا کنون ترجمه و تحلیل نشده است، در جای خود تحقیقی نو به شمار می‌آید. امید که مورد استفاده صاحب نظران قرار گیرد.

بخش نخست:

حرف نویسی متن

p7سغدی